

تحلیل راهبردی ذی‌نفعان (قومی - مذهبی) پروژه‌های آبی حوضه دجله و فرات

کامران ربیعی^۱، مصطفی قادری حاجت^۲ 

^۱ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: k.rabiei@modares.ac.ir
^۲ نویسنده مسئول: استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
رایانامه: m.ghaderihajat@modares.ac.ir

چکیده

از بین ۲۸۶ حوضه آبریز مشترک بین‌المللی، حوضه آبریز دجله و فرات را می‌توان در فهرست پرتنش‌ترین حوضه آبریز فرامرزی دنیا در کنار حوضه رود نیل قرار داد. مسئله بهره‌برداری و استفاده مشترک از منابع آب در حوضه آبریز دجله و فرات، که بزرگ‌ترین حوضه آبریز فرامرزی در آسیای غربی است، بسیار مهم است و این منطقه پرتنش از منظر سیاسی، با کمبود همراه با افزایش تقاضا و رقابت‌های شدید برای دسترسی و بهره‌برداری بیشتر از آب مواجه است. از منظر ملی و در مقیاس کشوری مطالعات زیادی در این خصوص انجام شده است، ولی آنچه ضرورت دارد تحلیل و سطح‌بندی بازیگران و کنشگران فروملی هیدروپلیتیکی حوضه یعنی اجتماعات محلی است. این اجتماعات در حوضه دجله و فرات را می‌توان در قالب یک دسته‌بندی کلی یعنی گروه‌های مذهبی و زبانی تقسیم کرد. از این‌رو لازم است این گروه‌ها از منظر نفع و زیان پروژه‌های آبی بررسی شوند. این مقاله با یک رویکرد سیستمی در پی واکاوی تأثیرات پروژه‌های آبی متأثر از شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی حوضه با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از تکنیک SAW است. نتایج نشان می‌دهد اگرچه کردهای علوی به‌عنوان جوامع محلی در بالادست متأثر از طرح‌های توسعه گاپ با مسائلی چون کوچ اجباری، تغییر بافت جمعیتی، از دست رفتن یا حداقل مخاطرات اثرگذار بر امنیت انسانی، از دست رفتن نمادهای هویتی و... مواجه شده‌اند، اما از منظر کمیت و کیفیت آب در کنار کردهای سنی این حوضه مخاطرات کمتری را متحمل شده‌اند. این در حالی است که متناسب با کمیت و کیفیت آب شیعیان عرب‌زبان مخاطرات بیشتری را متأثر از طرح‌های توسعه آبی حوضه دجله و فرات متوجه خود می‌بینند.

واژه‌های کلیدی: هویت، رقابت، دجله و فرات، هیدروپلیتیک، هیدروهمومون

* استناد: ربیعی، کامران؛ مصطفی قادری حاجت. (۱۴۰۳، پاییز) «تحلیل استراتژیک ذی‌نفعان (قومی - مذهبی) پروژه‌های آبی حوضه دجله و فرات» فصلنامه سیاست، ۵۴، ۳: ۴۵۷-۴۸۸. <DOI:10.22059/JPPQ.2024.380979.1008204>
تاریخ دریافت: ۵ تیر ۱۴۰۳، تاریخ بازنگری: ۳ شهریور ۱۴۰۳، تاریخ تصویب: ۱۰ مهر ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۱۰ مهر ۱۴۰۳.



۱. مقدمه

کمبود منابع و ذخایر آب شیرین تجدیدشونده از تهدیدهای اساسی و چالش‌های پایدار سده بیست‌ویکم در جهان است. درک کمبود آب برای شکل‌گیری سیاست‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی و محاسبات محلی بسیار مهم است (Liu et al., 2017). افزایش تقاضا برای بهره‌برداری از منابع آب و فشار بر منابع آب شیرین آب را در کانون مناسبات قدرت جوامع و واحدهای سیاسی- فضایی از مقیاس فروملی تا فراملی قرار داده و سبب شده است تا مسئله تأمین مناسب از نظر زمانی و مکانی آب، به‌شدت حساس شود و تنش‌ها روندی فزاینده بیابند. در حال حاضر بسیاری از کشورهای بالادست رودخانه‌ها با ساخت سد و بستن رودخانه‌های مشترک ۱/۴ میلیارد نفر در جهان را با مشکل مواجه کرده‌اند (Falkenmark & Molden, 2008; Smakhtin, 2008; Famiglietti, 2014). بر اساس داده‌های استخراج‌شده از پایگاه مؤسسه پاسیفیک ملاحظه می‌شود که حدود یک‌سوم از ۱۶۴۳ منازعه مرتبط با آب در طول تاریخ در خاورمیانه رخ داده است. یافته بسیار مهم و شایان توجه آنکه حدود نیمی از این منازعات در یک دهه اخیر رخ داده است (Pacific Institute, 2023).

افزایش بی‌سابقه تنش‌های آبی طی یک دهه اخیر نشان‌دهنده چشم‌انداز منازعه بر سر آب در دهه‌های پیش رو است. در طول تاریخ، تلاقی دو پهنه کوهستان و بیابان موجب پدید آمدن اشکال خاصی از فرهنگ، ساختار اجتماعی، سابقه تمدن و شهرنشینی در حوضه دجله و فرات شده است. جغرافیای خشک پایین‌دست حوضه دو کشور عراق و سوریه را به‌شدت وابسته به تحولاتی می‌کند که در ترکیه می‌گذرد و هرگونه تغییر در کمیت آب واردشده به این دو کشور بر معیشت و زندگی بخش بزرگی از جوامع تأثیر مستقیم می‌گذارد. درحالی‌که در مقیاس جهانی ۵۰/۱ درصد منازعات مرتبط با آب خود منابع آبی را هدف خشونت و درگیری قرار داده‌اند، این نرخ در خاورمیانه و غرب آسیا به ۷۶/۱ درصد می‌رسد؛ یعنی در خاورمیانه نه نیمی از منازعات، بلکه در دوسوم آنها به‌طور مستقیم آب موضوع جنگ و خشونت قرار گرفته است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که آب در طول تاریخ بیش از همه برای عراق مسئله بوده است. از همین رو حتی در سده گذشته ملاحظه می‌شود نخستین سدها و طرح‌های مهم آبی در این کشور ساخته می‌شود. آب در حوضه دجله و فرات تنها از زمانی به مسئله‌ای فراتر از عراق تبدیل می‌شود که ترکیه به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی به ساختن سد کرده و به‌طور مشخص در سال ۱۹۷۳ به تکمیل سد کبان و بعداً آبیگری آن اقدام می‌کند. احداث سد کبان سوریه را بر آن می‌دارد تا برای تأمین آب خود در همان زمان به کمک شوروی سابق به ساخت سد طبقه اقدام کند. آبیگری سد طبقه عراق و سوریه را در سال ۱۹۷۵ تا مرز درگیری نظامی و تخریب تأسیسات احداث‌شده توسط عراق برد. از این تاریخ می‌توان گفت حوضه

دجله و فرات وارد عصر تنش آبی تازه‌ای در ابعاد بین‌المللی شده است. ترکیه در سال ۱۹۷۷ مجموعه طرح‌هایی را که از پیش داشت، در کنار مجموعه طرح‌های جدید همه را ذیل یک تصویر بزرگ‌تر و همبسته قرار داد و طرح توسعه منابع آبی آناتولی جنوب شرقی را تحت عنوان اختصاری گاپ قرار داد و به مناقشه ابعاد تازه‌ای بخشید. طرح گاپ شامل ۲۲ سد و ۱۹ تأسیسات برق آبی بر روی دجله و فرات می‌شد (FAO, 2009). در طول تاریخ در خاورمیانه، آب نه در ترکیه، بلکه در سوریه و عراق به شکل‌های مختلف منابع نزاع و درگیری بوده است. محیط بیابانی دو کشور آب را به منبع کمیابی مبدل ساخته که همواره پتانسیل زیادی را در این کشورها برای نزاع و اعتراض و درگیری فراهم می‌کند. در صورتی که در بالادست یعنی ترکیه هر اقدامی موجب کاهش آب این دو کشور شود، این کاهش به معنای افزایش منازعات داخلی این کشورها خواهد بود. از آنجایی که رابطه نزدیکی بین دسترسی به آب، امنیت و ثبات اجتماعی و سیاسی وجود دارد، هرگونه تغییر در کمیت و کیفیت حوضه می‌تواند تبعات و تنش‌های شدید و حتی پیش‌بینی‌نشده‌ای داشته باشد، بسیاری از منازعات رخ داده در حوضه دجله و فرات اگرچه دارای محرک خارجی بوده‌اند، اما زمینه تاریخی ستیز میان قبایل، گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، شرایط وقوع چنین منازعات خونین و کشیده شدن آنها به جنگ داخلی را فراهم کرده است (Gleick, 2019b: 2). جامعه اطلاعاتی ایالات متحده^۱ روابط بین آب، تنش‌های اجتماعی، ناکامی‌های ایالتی و نگرانی‌های امنیتی را در سطح ملی و بین‌المللی ارزیابی کرده است. در سال ۲۰۱۲، دفتر مدیر اطلاعات ملی^۲ چندین نتیجه‌گیری اساسی در خصوص استفاده از آب به‌عنوان سلاح، اهرم‌های سیاسی و تروریسم ارائه داد که طی سال‌های بعد بسیاری از آنها به‌وقوع پیوستند (Gleick, 2019: 1739). از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

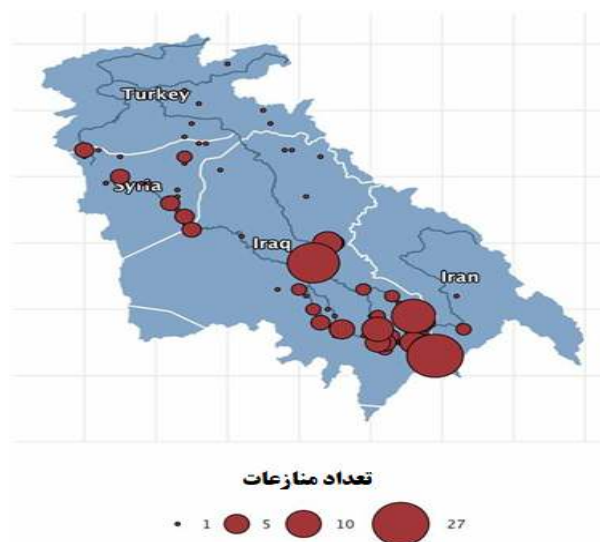
- ✓ مشکلات آب هنگامی که با فقر، تنش‌های اجتماعی، تخریب محیط زیست، رهبری ناکارآمد و غیرمؤثر و نهادهای سیاسی ضعیف همراه باشد، به اختلالات اجتماعی منجر می‌شود که می‌تواند به شکست دولت بینجامد؛
- ✓ طی ده سال آینده استفاده از آب به‌عنوان سلاحی یا برای رسیدن به اهداف تروریستی محتمل‌تر خواهد بود؛
- ✓ برخی بازیگران غیردولتی (تروریست‌ها یا افراط‌گرایان) به احتمال زیاد زیرساخت‌های آسیب‌پذیر آب را برای دستیابی به اهداف خود هدف قرار خواهند داد؛

1. The intelligence community in the United States
2. the Office of the Director of National Intelligence

✓ همچنین از آب برای فشار بر جمعیت و سرکوب عناصر جدایی طلب در میان دولت ها استفاده خواهد شد.

به جلد می توان گفت که تمام پیش بینی های انجام گرفته توسط دفتر مدیر اطلاعات ملی دست کم در حوضه دجله و فرات به وقوع پیوسته است. در حوضه دجله و فرات به سبب تنوع قومی و مذهبی موجود منازعات سیاسی اغلب ماهیت قومی و مذهبی نیز پیدا می کنند. در چنین شرایطی آب ممکن است به عنوان سلاح علیه یک قومیت یا گروه مذهبی خاص به کار رود یا به سبب کم آبی موجود خود آب موضوع و هدف منازعه و درگیری شود. حوضه دجله- فرات در بین پنج حوضه فرامرزی با بیشترین میزان وقوع حوادث آب به عنوان سلاح در جهان قرار دارد و از نظر تعداد مرگ و میر در چنین حوادثی رتبه اول را دارد (Veillux & King, 2016). همان گونه که در نقشه ۱ ملاحظه می شود که طی سه دهه گذشته، تبدیل شدن آب به موضوع و هدف منازعه سیر تصاعدی داشته و بر این اساس پیش بینی می شود که در خاورمیانه که تقاضای فراینده ای برای آب شیرین در آن وجود دارد، آب بیش از پیش موضوع و هدف منازعه شود و تأسیسات آبی بیشتر از گذشته در معرض تخریب و اعمال خشونت قرار گیرند.

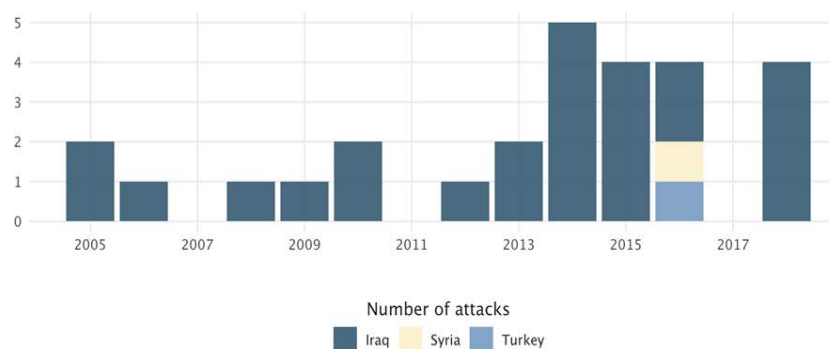
نقشه ۱. پراکنش خشونت های فرقه ای اخیر در حوضه دجله و فرات



Source: <https://acleddata.com>

استفاده از آب به‌عنوان سلاح در سوریه و عراق رایج بود (Daoudy, ;Von Lossow, 2016). نمودار ۱ تعداد حملات تروریستی به شبکه‌های آب را در بیست سال گذشته نشان می‌دهد. حوادث بیشتر در عراق بوده و اخیراً در ترکیه و سوریه نیز رخ داده است. شایان ذکر است که شبکه‌های آب همواره مورد هدف عوامل دولتی نیز بوده و هستند. هم در سوریه و هم عراق، رژیم‌های بشار اسد و صدام حسین منابع آب را دستکاری کرده‌اند تا گروه‌های جمعیتی یا مناطق خاصی را در معرض خطر قرار دهند، که نمونه بارز آن خشک شدن تالاب‌های بین‌النهرین است (Von Lossow, 2016).

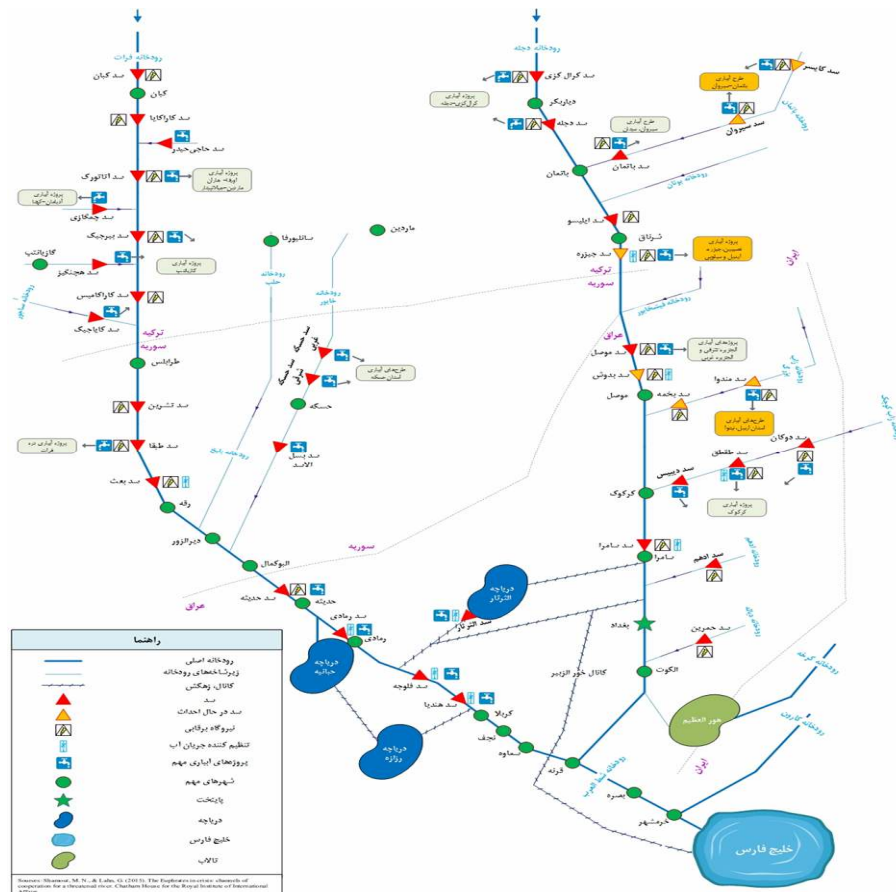
نمودار ۱. حملات تروریستی به شبکه‌های آب



Source: Global Terrorism Database - Copyright University of Maryland 2019

در پژوهش حاضر از منظر اجتماعی و با تأکید بر گروه‌های فروملی خوانشی از منازعات مرتبط با آب در حوضه دجله و فرات ارائه می‌شود. از منظر اجتماعی موضوع شایان توجه تنوع قومی و زبانی حوضه و وجود اختلاف‌های قومی و مذهبی و رقابت‌های مخرب دولت‌ها متأثر از این دو عنصر هویتی است. اگرچه سوابق ثبت‌شده نشان از روند تصاعدی افزایش منازعات آبی طی یکی دو دهه اخیر دارد، ولی وجه غالب این منازعات نه بین دولت‌ها، بلکه درون مرزهای ملی بوده است. درون‌کشوری بودن اغلب منازعات آبی نشان‌دهنده اهمیت متغیرهای اجتماعی- هویتی و سهم نیروهای اجتماعی در منازعات آبی جاری و پیش رو در حوضه دجله و فرات است. طی دهه گذشته رقابت‌ها و تنش‌های قومی و مذهبی، و نابرابری‌های منطقه‌ای، زمینه اجتماعی لازم برای تبدیل شکاف‌های داخلی به جنگ داخلی و خشونت‌های گسترده در سوریه و عراق شده است. نمونه اخیر این موضوع سر برآوردن داعش و ادعای تشکیل خلافت در عراق و شام بود. حتی در مواردی «آب» به‌عنوان سلاح

تصویر ۱. طرح‌های توسعه آبی حوضه دجله و فرات



جهت‌گیری نظری پژوهش حاضر از واقعیت بوم‌شناسانه منطقه اخذ شده است. از این منظر جغرافیای طبیعی حوضه در برهم‌کنش با اجتماعات انسانی به تشکیل گروه‌های قومی، مذهبی و ساختار اجتماعی ویژه‌ای منجر شده که به‌طور معمول در رقابت، تعارض، تنازع و به‌ندرت

در تعامل با یکدیگر بوده‌اند. منبع کمیاب آب به این تقابل‌ها و منازعات دامن زده یا بر آن اثر گذارده است. از منظر تحلیلی پژوهش حاضر مبتنی بر خوانش اجتماعی «هویت‌های تقابلی» حول «منبع کمیاب آب» سامان گرفته است. کل حوضه و زیرحوضه‌های تعیین‌شده «واحد تحلیل» پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. «واحدهای مشاهده» نیز گروه قومی و گروه مذهبی‌اند. در پژوهش حاضر ترکیه به‌عنوان هیدروهمون و طراح و اجراکننده پروژه گاپ در بالادست حوضه و کشورهای پایین‌دست بسته به شدت تأثیر و نوع تأثیری که می‌پذیرند، زیان‌دیدگان طرح‌های توسعه آبی ترکیه دیده شده‌اند. از این‌رو تلاش برای دستیابی به ادراک ذی‌نفعان پروژه‌های آبی حوضه دجله و فرات از منظر قومی و مذهبی هدف اصلی این تحقیق است. در پژوهش حاضر، از منظر اجتماعی و با تأکید بر گروه‌های فروملی، خوانشی از منازعات مرتبط با آب در حوضه دجله و فرات ارائه می‌شود. با توجه به تنوع قومی و زبانی موجود در حوضه و اختلاف‌های قومی و مذهبی، آب به‌عنوان متغیر مهمی در منازعات آبی منطقه‌ای و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. از این‌رو باید مشخص شود متأثر از اجرای پروژه‌های آبی کدام گروه‌های قومی و زبانی مخاطرات بیشتری متحمل می‌شوند؟

۲. روش

در تحقیق حاضر تأثیرات اجتماعی اجرای پروژه گاپ بر کشورهای پایین‌دست بررسی می‌شود. با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع در دسترس در پی شناسایی زیان‌دیدگان و نفع‌برندگان قومی-مذهبی پروژه‌های آبی حوضه دجله و فرات است. پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش وزن‌دهی ساده^۱ (SAW) ذی‌نفعان رتبه‌بندی می‌شوند. روش SAW به‌دلیل سهولتی که دارد، محبوب‌ترین و رایج‌ترین روش در تصمیم‌گیری چندشاخصه^۲ MADM است. روش SAW را می‌توان ساده‌ترین و مستقیم‌ترین روش برای مواجهه با مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره در نظر گرفت؛ چراکه در این روش از یک تابع افزایشی خطی برای نمایش ترجیحات تصمیم‌گیرندگان استفاده می‌شود. با این حال این تکنیک زمانی کاربرد پیدا می‌کند که فرض کنیم ترجیحات مستقل و یا مجزا از هم هستند. برای نشان دادن ارزیابی نهایی مطابق معیارها، تصمیم‌گیرنده یک مقیاس عددی (کمی) از ارزش داخلی معیارها را ایجاد می‌کند. تصمیم‌گیرنده سپس می‌تواند به‌سادگی با ضریب نرخ مقیاس برای هر ارزش معیار با اهمیت وزن نشان‌دهنده معیار و جمع آنها یک مقیاس نهایی برای هر آلترناتیو ایجاد کند. روش SAW که مخفف است، امتیاز کلی یک راه‌حل کاندید با

1. Simple Additive Weighting
2. multiple Attribute Decision making

مجموع وزنی تمام مقادیر ویژگی تعیین می‌شود. روش ساده وزنی به دلیل سهولتی که دارد، محبوب‌ترین و رایج‌ترین روش در MADM است.

گام‌های روش SAW:

گام اول: تشکیل ماتریس تصمیم

$$D = \begin{matrix} & \begin{matrix} C_1 & C_2 & \dots & C_n \end{matrix} \\ \begin{matrix} A_1 \\ A_2 \\ \vdots \\ A_m \end{matrix} & \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ x_{m1} & x_{m2} & \dots & x_{mn} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

گام دوم: بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم

$$r_{ij}^+ = \frac{X_{ij}}{X_j^{Max}}, i = 1, \dots, m \quad r_{ij}^- = \frac{X_j^{Min}}{X_{ij}}, i = 1, \dots, m$$

گام سوم: تشکیل ماتریس موزون

$$w = [w_1 \ w_2 \ \dots \ w_n]$$

گام چهارم: انتخاب گزینه برتر

$$A^* = \left\{ A_i \mid \max_i \frac{\sum_{j=1}^n w_j X_{ij}}{\sum_{j=1}^n w_j} \right\}$$

۳. پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر بسیاری از پژوهش‌هایی که به‌نحوی به حوضه و تأثیرات اجتماعی اجرای پروژه گاپ بر ترکیه و کشورهای پایین‌دست حوضه مرتبط‌اند، بررسی شده‌اند. از نظر دقت داده‌ها، داشتن روش علمی، معیارهای اخلاقی از جمله داوری ارزشی این متون دارای کیفیت متفاوتی بوده‌اند. در ارزیابی کلی می‌توان گفت که گزارش‌های زیرمجموعه‌های سازمان ملل مانند سازمان فائو داده‌ها و یافته‌ها دارای دقت و کیفیت بالاتری در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. شایان ذکر است که حتی در خصوص متونی که تلاش کرده‌اند جانب علمی را نگه‌دارند، بعضاً شاهد تناقض‌های در داده‌ها و شواهد تجربی هستیم. برای نمونه در گزارش

اندیشکده روابط بین‌الملل کلینگندال^۱ در هلند در خصوص چالش‌های آبی در عراق آمده که حدود ۷۵ درصد کل برق عراق از نوع تولید برق آبی در سدهای بزرگ کشور است (Saab, 2018: 2). در صورتی که در گزارش چتم هاوس^۲ که شاموت و لان آن را به نگارش درآورده‌اند، حدود ۷ درصد برق کل کشور به صورت برق آبی تولید می‌شود (Lahn & Shamout, 2015).

در کل متون انگلیسی نسبت به متون عربی هم از دقت بیشتری برخوردارند و هم داده‌های بهتر و دقیق‌تری می‌توان از آنها به‌دست آورد. دست‌کم مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با سازمان ملل و اتحادیه اروپا گزارش‌های بی‌طرفانه‌تری نسبت به خود کشورهای حوضه منتشر کرده‌اند. البته حتی نسبت به همین گزارش‌ها نیز باید با احتیاط و دقت علمی و راست‌آزمایی داده‌ها برخورد کرد. در خصوص متون عربی به‌ویژه در سوریه، پژوهشگر با نوعی فقر داده مواجه است. حتی داده‌های پایه جمعیتی نیز برای دهه اخیر این کشور توسط نهادهای رسمی تولید نشده و کشور درگیر جنگ داخلی بوده است. شرایط سیاسی و حساسیت موضوع آب سبب امنیتی شدن داده‌های مربوطه شده، از این‌رو متون عربی تولیدشده در این کشور اندک است و آن مقدار نیز اغلب داده‌های قابل اعتنایی ندارند. در خصوص عراق شرایط کمی متفاوت است. در این کشور دست‌کم گزارش‌های جمعیتی غنی‌ای وجود دارد و بهتر از دو کشور بالادست می‌توان داده‌های آماری در عرصه‌های مختلف به‌دست آورد. مشکل پژوهش‌های انجام‌گرفته در این کشور آن است که هنوز دانش علمی موجود در نهادهای بین‌المللی در مؤسسات دولتی این کشور وجود ندارد و پژوهش‌ها و گزارش‌های دانشگاهی به همین سبب نمی‌توانند به داده‌های رسمی قابل اعتنایی استناد کنند. ضعف علمی و روشی نیز در متون تولیدشده در عراق قابل پیگیری است.

یکی دیگر از مشکلات استفاده از منابع خارجی نبود تقارن زمانی بین داده‌های تولیدشده است. برای نمونه در عراق آخرین سرشماری در سال ۲۰۱۰ انجام گرفته و پس از آن گزارش جمعیتی مفصلی در قالب آمارنامه برای سال ۲۰۱۸ در دسترس است. اما برای سوریه آخرین سرشماری مربوط به ۲۰۰۴ بوده و پس از آن به‌سبب جنگ داخلی گزارش جمعیتی شایان توجهی تولید نشده یا دست‌کم در اختیار پژوهشگران و در سایت‌های رسمی قرار داده نشده است. در خصوص ترکیه نیز به‌طور مشخص در محدوده پروژه گاپ و آناتولی جنوب شرقی داده‌های جمعیتی به دقت عراق وجود ندارد.

بخش عمده مطالب توسط خود ترک‌ها نوشته شده است. در بسیاری از مقالات و گزارش‌ها با آنکه حتی مفهوم ارزیابی تأثیرات^۳ در عنوان پژوهش و گزارش آمده است، ولی باز داده‌های

1. Clingendael

2. Chatham House

3. Impact Assessment

زیادی در آن وجود ندارد و احتمال وجود عدم رغبت برای پوشش چنین تأثیراتی را تقویت می‌کند.

در پژوهش حاضر متون بررسی شده بر حسب نوع متن به سه گروه عمده متون توصیفی (دربدارنده ویژگی‌های کلی اجتماعات انسانی و ویژگی‌ها حوضه)، متون مربوط به مدیریت منابع آب (متضمن مباحث مربوط به خود پروژه‌ها و سیاست‌ها و اهداف مرتبط) و متون مربوط به تأثیر پروژه‌ها (تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم) تقسیم می‌شوند. برخی از مهم‌ترین متون بررسی شده در پژوهش حاضر در جدول ۱ طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۱. طبقه‌بندی متون مرور شده بر اساس جهت‌گیری اصلی آن

جهت‌گیری اصلی متون	متون انگلیسی	عربی
توصیف (سکونتگاه‌های انسانی، ویژگی‌های کلی جمعیت و تغییرات جمعیتی)	Turkish Statistical Institute; Columbia University. The Gulf/2000project; The World Bank; United Nations Development Programme, Human Development Reports; Syrian Centre for Policy Research (SCPR).	وزاره التخطيط، الجهاز المركزي للإحصاء (۲۰۱۶)؛ الهيئة السورية لشؤون الأسره Türkiye (۲۰۱۱) nüfusu 2023 (ترکی)
مدیریت منابع آب	Adamo, Al-Ansari, & Sissakian (2020); Al-Ansari, Ali, & Knutsson (2015); Water in Iraq Factsheet (2013); Issa et al (2014); FAO (2008).	العباسی (۲۰۱۹)، العباسی (۲۰۱۸)، العباسی (۲۰۱۲)، داود (۲۰۲۳)
تأثیر پروژه‌ها	IOM (2020); Basra Is Thirsty (2019); Alwash et al (2018); Saab (2018); Shamout & Lahn (2015); Asia and Rohstoffe (2013); Stockholm International Water Institute (SIWI) (2012); Al-Ansari & Knutsson (2011); Schnepf (2004).	کاطع حسون (۲۰۱۲)، دعیج (۲۰۱۶)؛ البدیری (۲۰۱۱)؛ البدیری (۲۰۱۰)
	تأثیرات مستقیم (تغییر در کمیت و کیفیت آب، کشاورزی و دامداری، امنیت غذایی، بهداشت و سلامت، انرژی...)	

المجلس النرويجی لالجین (NRC) (۲۰۲۲)، (مولر وآخرون، ۲۰۲۲)	Kool, Birkman, & Bianca (2020); Dockx (2019); Hassan, Born, & Nordqvist (2018); Lossow (2016); Gleick (2014); Frederick & Edward (1999).	تأثیرات غیرمستقیم (مهاجرت از شهر به روستا، منازعات قبیله‌ای و میان استانی، گرایش به تروریسم و نیروهای گریز از مرکز، اعتراضات شهری و شورش و ناآرامی، تغییر مناسبات با بازیگران خارجی)	
--	---	---	--

همان‌گونه که از پیشینه مطالعاتی در دسترس برمی‌آید، تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص حوضه دجله و فرات برخی در پی توصیف ابعاد مختلف این حوضه بوده‌اند و برخی دیگر به مدیریت منابع آب پرداخته‌اند. همچنین برخی پژوهش‌ها به تأثیرات مستقیم پروژه‌ها و برخی دیگر به تأثیرات غیرمستقیم پروژه‌ها پرداخته‌اند. در خصوص تأثیرات مستقیم تمرکز پژوهشگران تغییر رخ‌داده در کمیت و کیفیت آب است که مورد توجه است. اما تأثیرات غیرمستقیم مهم‌تر است و ارزش مطالعاتی بیشتری دارد. وجه غالب در این خصوص پیامدهای سیاسی و اجتماعی است که رخ می‌دهد. در پروژه‌های مورد بررسی عامل قومیت و مذهب به‌عنوان یک شاخص مستقل مورد توجه قرار نگرفته است و با توجه به بافت قومی-مذهبی موزائیکی منطقه و رابطه دولت و جامعه و همچنین روابط بلوک‌های قومی طیفی از کنش‌های رقابتی و خصمانه را در برمی‌گیرد. اما از آنجا که هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیرات پروژه‌های آبی بر جماعات محلی با تأکید بر وجه قومی مذهبی است، دغدغه این پروژه توجه به این کنش‌های قومی-مذهبی در نسبت با آب است.

۴. مبانی نظری

مفاهیمی چون تنش، چالش، مناقشه، منازعه و بحران در علوم اجتماعی و انسانی کاربرد زیادی دارد و اغلب بیان‌کننده روابط خصمانه دو یا چند بازیگر رقیب در مقیاس‌های مختلف است. درباره ریشه‌های ایجاد منازعه و کشمکش در روابط بین بازیگران مختلف در قالب مکاتب و اندیشه‌های فکری و فلسفی نظریات متنوع و گاه متضادی بیان شده است.

واژه تنش به مجموعه‌ای از ایستارها و تمایلاتی چون بی‌اعتمادی و سوءظن مربوط می‌شود که مردم و سیاستگذاران در قبال طرف‌های مقابل دارند. تنش‌ها به‌خودبخود موجب اختلاف نمی‌شوند، بلکه طرف‌ها را آماده می‌سازند تا در صورت تلاش برای دستیابی به

اهداف ناسازگار، رفتاری مبتنی بر اختلاف در پیش بگیرند یا از خود نشان دهند (Halsti, 1991: 288). دئورتی و فالتزگراف اعتقاد دارند که منازعه با تنش تفاوت دارد. تنش به‌طور معمول به خصومت پنهان، ترس، سوءظن، تصور تضاد منافع و شاید هم میل سلطه‌طلبی یا انتقام‌جویی اشاره دارد. با این حال، تنش لزوماً از سطح گرایش‌ها و ادراکات فراتر نمی‌رود و تعارض عملی و آشکار و کوشش‌های بازدارنده متقابل را در برنمی‌گیرد. هرچند تنش اغلب مقدم بر بروز منازعه و همواره ملازم با آن است، ولی با منازعه مترادف نبوده و همیشه نیاز با همکاری سازگار نیست. با وجود این، ریشه‌های تنش احتمالاً با ریشه‌های منازعه ارتباط نزدیکی دارد. علاوه بر این، اگر تنش‌ها به اندازه کافی شدت یابند، بسته به میزان تأثیرگذاری آنها بر روند تصمیم‌گیری ممکن است به‌طور مستقل به علل مساعد یا مقدماتی برای بروز منازعه تبدیل شوند (Dougherty & pfaltzgraf, 1981: 298).

به‌طور سنتی چند عامل اصلی برای ایجاد تنش و منازعه در نظر گرفته می‌شود، قلمرو، ایدئولوژی، قومیت، مذهب، منافع اقتصادی و منابع. بسیاری از کشمکش‌ها و منازعات یا به‌واسطه تک‌تک عوامل مزبور و یا به‌واسطه ترکیبی از آنها شکل می‌گیرند (Gallaher et al., 2009: 227-229). در پژوهش حاضر به لحاظ هستی‌شناسانه به مخاطره افتادن امنیت انسانی واحدهای تحلیل (گروه‌های قومی و مذهبی) علت اصلی مناقشه و منازعه دیده می‌شود. در واقع کاهش کمیت و کیفیت آب وجوهی از حیات انسان مانند منابع امرار معیشت، حق آب آشامیدنی سالم، بهداشت و سلامت، غذا و غیره را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد که همگی وجوه مختلف مفهوم امنیت انسانی را تشکیل می‌دهند.

هویت در بسیاری از نقاط دنیا از مهم‌ترین عناصر وجود و استمرار رقابت و منازعه بوده است. در واقع بسیاری از منازعات هویت مبنا در جهان بنیاد و اساسی مادی دارند. منابع مادی نه‌تنها موضوع منازعه، بلکه عامل شکل دادن به هویت‌ها نیز می‌تواند باشد. همان‌طور که در بخش‌های پیشین گفته شد، ترکیبی از شرایط کم آبی شدید (پایین‌دست میان‌رودان و شبه‌جزیره) و فراوانی آب (بالادست میان‌رودان) بر شکلیابی ساختار اجتماعی، هویت‌های قومی و مذهبی و نیز بر رفتار و موقعیت دولت‌های ملی اثر گذاشته است. در حوضه دجله و فرات، هویت قومی و مذهبی در تکوین هویت اجتماعی افراد دست بالا را دارند و هویت ملی نیز اغلب بنیادی قومی و مذهبی دارد.

افزایش منازعات و تنش‌های آبی در خاورمیانه و سهم بالای آن در منازعات آبی جهان، حکایت از درگیر شدن این هویت‌های تقابلی در منازعات آبی و تبدیل شدن این منبع کمیاب به یک کارت بازی جدی علیه یکدیگر دارد. در حوضه شاهد آنیم که در برخی موارد هویت تقابلی صرفاً حول قومیت نیست، بلکه با مذهب نیز ترکیب می‌شود و به‌شدت تقابل دامن

می‌زنند. برای نمونه در شرایطی ممکن است شیعه عرب‌زبان با سنی عرب‌زبان زمینه‌های تعاملی برایشان فراهم‌تر باشد از کرد سنی. البته فعال شدن هریک از ابعاد هویتی متأثر از عوامل متعددی است. همان‌گونه که لوئیز ریچاردسن^۱ (۱۹۶۰) بیان می‌کند، مواردی مانند تعداد همسایگان، تراکم اختلاف‌ها و بحران‌ها و ظرفیت‌های تنش موجود همگی بر احتمال وقوع منازعه تأثیر می‌گذارند. در حوضه دجله و فرات که تنوع زیادی از هویت‌های قومی و مذهبی وجود دارد، احتمال وجود منازعه بسیار بیشتر از منطقه‌ای است که برای مثال همگی مسیحی‌اند و از نظر نژادی و قومی قرابت‌هایی با هم دارند.

رشد جمعیت و رشد اقتصادی از جمله مواردی است که شکری و نورث^۲ (۱۹۷۵)، ریچارد اشلی^۳ (۱۹۸۰) و کمپ و هارکاوی^۴ (۲۰۱۶) آنها را عواملی می‌دانستند که موجب افزایش تقاضا برای منابع طبیعی شده که به دلیل کمیابی خود زمینه تنش و منازعه را فراهم می‌کنند. طبق نظر هامر و دیکسون^۵ (۱۹۹۳) کمیابی همواره می‌تواند عامل اصلی منازعه باشد و از طریق سوق دادن جمعیت‌های انسانی به هویت‌های تقابلی منازعه بر سر تصاحب و توزیع منابع را میان آنان شدت بخشد. طی نیم‌قرن گذشته شاهد آن بوده‌ایم که ترکیه با حرکت به سمت توسعه ملی، منابع آبی بالادست را ذیل مفهوم و درک جدیدی تحت عنوان گاپ قرار داد، که با فشار آوردن به کمیت و کیفیت آب در دسترس پایین‌دست، نه تنها دولت‌ها بلکه بلوک‌های قومی و مذهبی را در موقعیت جدیدی قرار دارد. این موقعیت جدید بر منابع معیشت و کیفیت زندگی این گروه‌های قومی و مذهبی اثر گذاشت و تنش را چه در ابعاد فروملی و چه بین کشوری افزایش داد. همان‌طور که پرسکات^۶ (۱۹۸۷) بیان می‌دارد نحوه و میزان استفاده از آب در بالادست همواره می‌تواند آغازگر تنش و منازعه باشد و این همان چیزی است که در حوضه دجله و فرات رخ داده است.

طبق نظر هاگت^۷ (Haggett, 2001., 1983) موقعیت ژئوپلیتیکی یک بازیگر، نوع منازعه و شکل تنش و روندهایی مانند مهاجرت را متأثر می‌کند. ترکیه به سبب موقعیت بالادستی طبیعتاً با پیشبرد پروژه گاپ نه تنها کمیت و کیفیت آب را متأثر کرده، بلکه با تأثیر بر منابع معیشت پایین‌دست موجب پیدایش مهاجرت‌های گسترده در پایین‌دست و متعاقب آن افزایش تنش و

-
1. Richardson
 2. Choucri & North
 3. Ashley
 4. Kemp & Harkavy
 5. Homer-Dixon
 6. Prescott
 7. Haggett

منازعه در ابعاد فروملی و میان گروه‌های مختلفی قومی و مذهبی و نیز میان مهاجران تازه‌وارد و شهرنشینان و ساکنان قبلی شده است.

می‌یر^۱ (۱۹۹۷) نیز تأکید می‌کند که کمیابی موجب افزایش رقابت میان گروه‌های قومی (و مذهبی) بر سر تصاحب منابع می‌شود که این امر می‌تواند به عامل تنش و منازعه منجر شود. استمرار تنش و رقابت میان گروه‌های قومی و مذهبی می‌تواند به افزایش فاصله اجتماعی میان اعضای گروه منجر شود. کاسلی و کلنن از مفهوم «فاصله قومی»^۲ برای توصیف این وضعیت یاد می‌کنند (Caselli & Coleman, 2013: 164). از آنجایی که کمیابی آب مسئله‌ای جدی و بحرانی در حوضه دجله و فرات است، می‌تواند خود به‌عنوان موضوع رقابت میان این هویت‌های تقابلی تبدیل شود و «فاصله قومی» و «فاصله مذهبی» را میان این گروه‌های هویتی افزایش دهد و به تعمیق و استمرار تنش دامن زند.

شایان ذکر است که در جوامعی که در آن قومیت و مذهب مبنای مهمی برای هویت است، رقابت گروهی بر سر منابع کمیاب اغلب در امتداد خطوط قومی و مذهبی شکل می‌گیرد. گاهی بجای قومیت و مذهب، مواردی مانند طبقه مبنای هویت قرار می‌گیرد (Lake & Rothchild, 1996: 44-45) و در برخی اوقات ترکیبی از این عوامل یک بلوک و گروه هویتی را شکل می‌دهد. در حوضه دجله و فرات به‌نظر می‌رسد که رقابت‌ها اغلب هویت‌مبناست و حتی دولت‌ها نیز در امتداد منافع و هویت‌های قومی و مذهبی عمل می‌کنند.

قدرت عاطفی وابستگی‌های قومی و مذهبی به‌طور معمول با تأثیرات وحدت‌آور آنچه تهدیدهای خارجی تلقی می‌شود، افزایش می‌یابد. افرادی که اشتراکات کمی با دیگران دارند ممکن است در زمان احساس خطر از سوی دشمنان خارجی همبسته‌تر شوند و احساس وحدت کنند (Lake & Rothchild, 1996: 56). برای نمونه تلاش برای ترسیم و بازترسیم مرزها سبب افزایش تعارض و تنش بین گروه‌های هویتی می‌شود (Lake & Rothchild, 1996: 63) و این چیزی است که در خصوص تلاش کردها برای تعیین قلمرو سیاسی خود و بعضاً تلاش برای خودمختاری و حتی استقلال در حوضه مشاهده می‌شود.

1. Mair

2. ethnic distance

۵. یافته‌ها

۵.۱. روند تاریخی پروژه گاپ^{۱، ۲}

تحولات پروژه را از زمان راه‌اندازی آن تا به امروز می‌توان در شش مرحله در نظر گرفت:

۱. گاپ یک پروژه توسعه منابع آبی و زمینی: از ابتدا تا ۱۹۸۴. مرحله نخست دهه ۱۹۷۰ تا میانه دهه ۱۹۸۰ است که در آن پروژه طرحی برای توسعه منابع آب و زمین بوده است و در واقع در نگاه به پروژه تنها همین بعد در نظر گرفته می‌شده است. البته ایده ساخت سد و احداث نیروگاه‌های برق بر روی فرات پیش از این، در سال‌های دهه ۱۹۳۰ و متأثر از آنچه در شوروی سابق اجرا شد، در ترکیه طرح شده بود (Turgut, 2000: 47).

۲. گاپ یک پروژه چندبخشی و یکپارچه (۱۹۸۴-۱۹۸۹). از میانه دهه ۱۹۸۰، تمرکز صرف روی ابعاد تکنیکی پروژه و مسائل مربوط به زمین و آب شروع به تغییر کرد و عملاً پروژه وارد مرحله دوم روند توسعه خود شد که نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ را در برمی‌گیرد. به‌طور مشخص‌تر، در این مرحله علاوه بر بحث آب و زمین، مسائل مربوط به حمل‌ونقل، صنعت و ابعاد اجتماعی پروژه نیز محل توجه جدی قرار گرفت. (Bilgen, 2018b: 132-133).

۳. گاپ در برزخ (۱۹۹۳-۱۹۸۹) شواهد موجود نشان می‌دهد که در عمل دولت ترکیه همچنان سرمایه‌گذاری خود را به میزان زیادی منحصر به همین ابعاد، به‌ویژه سدسازی، کرده و در واقع گاپ را مجدداً به یک پروژه مهندسی صرف بدل کرده بوده است (Bilgen, 2018b: 136-7).

۴. گاپ یک پروژه توسعه پایدار انسانی (۲۰۰۱-۱۹۹۴). اختلاف‌های موجود در عمل و نظر در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ که در مرحله سوم به آن اشاره شد، از میانه این دهه کاسته شده و عملاً گاپ وارد مرحله جدیدی شد که با صورت‌بندی «برنامه عملیاتی منطقه گاپ ۱۹۹۷-۱۹۹۳» (GAP Region Action Plan of 1993-1997) مشخص می‌شود. این دوره شاهد یک «جهت‌گیری مجدد شدید از یک پروژه توسعه‌ای آب‌محور به یک پروژه توسعه‌ای متمرکز بر مردم منطقه» بود و همچنین، در این دوره کوشش شد تا «این منطقه که از جهت آموزش، رویه‌های کشاورزی، مشارکت، شرایط زیست‌محیطی منطقه‌ای عقب‌مانده به حساب می‌آمد، به جلو رانده شود» (Warner, 2011: 81).

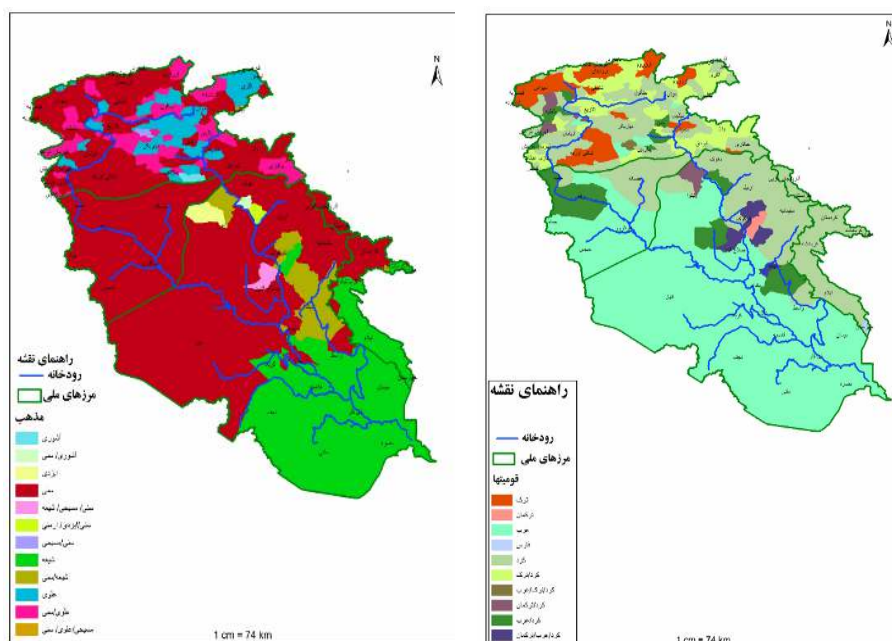
۵. گاپ یک پروژه بازار-بنیاد (۲۰۱۱-۲۰۰۲). آغاز آنچه را که به وقوع یک مرحله جدید در تحولات گاپ منتهی شد، می‌توان در قرار گرفتن ترکیه در موقعیت نامزدی عضویت در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ دانست که تبعات متعددی برای سیاستگذاری‌های این کشور، از جمله در مورد فاصله بین مناطق گوناگون کشور، داشت (Bilgen, 2018b: 145).

۶. گاپ جدید (New GAP) همان‌طور که پیش از این اشاره شد، علی‌رغم آنچه در برنامه عملیاتی گاپ (مرحله قبل) آمده بود، این پروژه تا سال ۲۰۱۲ به اتمام نرسید و این امر، در کنار این واقعیت که پروژه‌های فنی اجرا شده در گاپ الزاماً به‌طور محسوس در زندگی مردم این منطقه حضور نداشت، در برنامه عملیاتی گاپ ۲۰۱۸-۲۰۱۴ (GAP Action Plan of 2014-2018) بازتاب یافتند.

۲.۵. گروه‌های قومی و مذهبی حوضه دجله و فرات

در یک نگاه قومی- مذهبی ملاحظه می‌شود مرکز و جنوب حوضه مرکز تجمع و سکونت عرب‌های شیعه و در مناطق بالادست اغلب محل سکونت کردها و اهل تسنن است.

تصویر ۲



پراکنش مذهبی در حوضه دجله و فرات

پراکنش قومی حوضه آبریز دجله و فرات

۵.۳. ذی‌نفعان طرح‌های توسعه منابع آب حوضه

تعارضات اجتماعی ناشی از طرح‌های توسعه منابع آب حوضه در جوامع مورد بررسی را می‌توان در دو حوضه بالادست یعنی ترکیه و پایین‌دست یعنی سوریه و عراق دسته‌بندی کرد.

۵.۳.۱. بالادست

در خصوص بالادست حوضه یعنی ترکیه تحلیل تعارضات کلان نشان از درگیری و مقاومت ریشه‌دار گروه قومی با محوریت کردها در مقابل با گروه ملی دارد. واقعیت امر این است که هر دو گروه تحلیل متفاوتی از اثرگذاری اجتماعی پروژه عنوان می‌کنند. در خصوص گروه محلی بیشتر دغدغه ادغام گروه قومی، رفع موانع توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه، مقابله با تحرکات مخرب مبارزین به چشم می‌خورد، اگرچه اغلب آشکار بیان نمی‌شود. در خصوص گروه قومی باید اذعان داشت که این پروژه با برهم زدن بافت اجتماع سنتی، تغییر شیوه معیشت، ترکیب جمعیتی اشتغال و آموزش دارای پیامدهای مثبت و منفی خاص خود است. پژوهش‌های چندانی در خصوص چگونگی تحولات پروژه در طول چهار دهه اخیر در ترکیه، به‌ویژه از نظر اجتماعی، انجام نگرفته است.

نوسازی در ترکیه از همان آغاز با تلاش برای همگون‌سازی و یکپارچه کردن مردم کشور، به‌ویژه از لحاظ قومی و زبانی همراه بوده است. گاپ، از نگاه مدافعان آن، به دنبال رفع تبعیض منطقه‌ای، افزایش استانداردهای اجتماعی و اقتصادی مردمانی که در جنوب شرق ترکیه زندگی می‌کنند، تلقی می‌شود (Bilgen, 2018a: 1-2). منطقه آناتولی جنوب شرقی تقریباً یک‌پنجم کل زمین‌های قابل کشت و یک‌سوم کل پتانسیل انرژی کشور ترکیه را شامل می‌شود (Altınbilek & Tortajada, 2012: 174). این منطقه از یک سو منطقه‌ای خشک و بایر، توسعه‌نیافته، مورد تبعیض قرار گرفته و یا منطقه‌ای سرشار از نابرابری توصیف شده و از سوی دیگر، منطقه‌ای متنوع و سرشار از منابع گوناگون دیده شده است که پتانسیل‌های زیادی برای پیشرفت دارد (Bilgen, 2018b: 148).

به لحاظ اجتماعی و جمعیت‌شناختی نیز واقعیت بسیار مهمی در مورد منطقه جنوب شرق ترکیه از این قرار است که این منطقه از یک طرف نرخ رشد جمعیت، نرخ باروری، میانگین اندازه خانوار، نرخ مرگ اطفال و نرخ بیکاری بالاتر از میانگین ملی ترکیه قرار دارد و از طرف دیگر، نرخ شهرنشینی و نرخ ارزش افزوده سرانه پایین‌تری از میانگین ملی این کشور دارد (Bilgen, 2018b: 148).

یک ویژگی مهم انسانی این منطقه تنوع قومی یا زبانی آن است. نزدیک به ۶۰ درصد کرد، ۳۰ درصد ترک و ۱۰ درصد عرب از مهم‌ترین گویش‌های محلی این منطقه هستند (Gökçe et

38: 2010). *al.*، البته باید توجه داشت که داده‌های زبانی یا قومیتی به هیچ رو مورد اجماع طرف‌های مختلف نیستند.

در نتیجه تحولات و فرایندهای اجتماعی نظیر مهاجرت، شهری شدن و تغییر از زمین‌داری بزرگ‌مالکان به کشاورزی سرمایه‌دارانه و همچنین اجرای پروژه، روابط سستی بین افراد قبیله تضعیف شده است (Mutlu, 1996: 65). از گذشته‌های دور نابرابری در تملک زمین‌های کشاورزی بسیار بالا بوده است. به‌طور مشخص‌تر، مطابق آماری که در سال ۱۹۹۸ ارائه شده است، حدود ۶۵ درصد کشاورزان تنها ۱۰ درصد زمین‌ها را در اختیار دارند، درحالی‌که تقریباً ۱۰ درصد زمین‌داران مالک حدود ۶۵ درصد زمین‌ها در این منطقه از ترکیه هستند (Ozer, 1998: 147). درحالی‌که نرخ بیکاری این منطقه در سال ۱۹۸۰، ۴/۳۲ درصد برآورد شده، عددی که نزدیک به مقدار این شاخص در سطح ملی بوده است، این نرخ در سال ۲۰۰۰ به ۱۲/۱۳ درصد افزایش یافته که معادل حدود ۴ برابر مقدار این شاخص در سطح ملی بوده است (Altinbilek & Tortajada, 2012: 194). به این معنی که بیکاری روند کاهنده نداشته است. وضعیت شاخص‌های مربوط به سلامت و بهداشت این منطقه در میان مناطق هفت‌گانه کشور ترکیه در رده آخر قرار گرفته بود. با وجود بهبود وضعیت آن، همچنان پایین‌تر از میانگین ملی قرار دارد.

در سال ۲۰۰۳، منطقه جنوب شرقی به لحاظ وضعیت سلامت در رده ششم از میان هفت منطقه این کشور قرار گرفت. وضعیت شاخص توسعه انسانی در استان غازی آنتپ که دارای اکثریت مردم ترک‌زبان است، با تمامی استان‌های دیگر این منطقه متفاوت است و در سطحی بسیار بالاتر قرار دارد (Dincer *et al.*, 2003).

نرخ باروری در استان‌های این منطقه فاصله محسوس و معناداری با میانگین ملی این نرخ در کشور ترکیه دارد و این واقعیت علی‌رغم هدفی است که در پروژه گاپ برای زنان تعریف شده بوده است. در واقع، ویژگی‌های فرهنگی این منطقه مانع از پایین آمدن نرخ باروری شده است. اجرای پروژه گاپ و ایجاد فرصت‌های شغلی نیز تأثیری مثبت بر روی افزایش جمعیت داشته است، چه از طریق جذب افرادی به این منطقه برای کار در بخش‌های مختلف پروژه گاپ و چه با جلوگیری از بخشی از مهاجرت. نرخ رشد جمعیت در طول سال‌های اجرای گاپ در این منطقه بالاتر از این نرخ در سطح ملی بوده است. به‌ویژه، استان شانلی اورفه که تحت تأثیر اجرای سد آتاتورک قرار گرفته، با افزایش شدید نرخ رشد جمعیت مواجه شده است. علی‌رغم ایجاد اشتغال توسط پروژه گاپ، نرخ بیکاری در این منطقه متأثر از افزایش شدید جمعیت ناشی از نرخ بالای مولید افزایشی بوده است. پس از اجرایی شدن بخش‌های مختلف پروژه گاپ، کشاورزان به سمت تولید محصولاتی که سود اقتصادی بیشتری دارند

سوق پیدا کرده‌اند. درآمد سرانه در منطقه جنوب شرقی ترکیه که در سال ۱۹۸۵، معادل ۴۷ درصد درآمد سرانه ملی بود، در سال ۲۰۰۱ به ۵۵ درصد رسیده بود (Altinbilek & Tortajada, 2012: 173).

مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های اجباری نیز از نتایج احداث سدها به‌شمار می‌روند. مهم‌ترین مشکلات، تبعات زیست‌محیطی (آسیب به محیط زیست) اجرای گاپ بوده و دیگری برخی نتایج اجتماعی آن از جمله آسیب زدن به میراث تاریخی و فرهنگی، که به‌ویژه برای بخشی از مردم کرد این منطقه حائز اهمیت بوده‌اند. اقلیت‌های قومی سهم اصلی را در این جابه‌جایی‌ها داشته‌اند و در میان آنها نیز شاخص‌ترین گروه کردها بوده‌اند (Bilgen, 2018b: 149). با توجه به شهری شدن فزاینده در این منطقه، یک مهاجرت جدی درون‌منطقه‌ای از نواحی روستایی به شهرهای اصلی وجود داشته است. افزون بر اینها، در تحلیل تغییرات اجتماعی این منطقه، به‌ویژه جابه‌جایی‌های جمعیتی در آن، نباید فراموش کرد که در این منطقه با یک مورد نمونه‌ای از یک جامعه و اقتصاد سنتی کشاورزی مواجه بوده‌ایم که در دهه‌های اخیر با ورود اقتصاد بازار و تغییرات اجتماعی ناشی از نوسازی مواجه شده و در نتیجه بسیاری از پیوندهای سنتی اجتماعی و اقتصادی در آن تضعیف شده است (Aksit, 1996: 53-54). بنابراین پیوندها و روابط اجتماعی سنتی در این منطقه تضعیف شده و در این میان پروژه گاپ، در کنار سیاست‌های دولت مرکزی ترکیه و سازوکارهای بازار، چنین روندی را تشدید می‌کنند.

به‌طور کلی باید در نظر داشت که جمهوری ترکیه از زمان پایه‌گذاری آن در سال ۱۹۲۳ بر پایه سیاست تک‌ملتی^۱ و نه حقوق مشخصی برای اقلیت‌های مسلمان (مسلمانانی غیرسنی) و نه غیر ترک‌زبانان، از جمله کردزبان‌های این کشور بنا شد. پروژه گاپ در آغاز طرحی بود تا از منابع غنی آب و سرزمین‌های حاصلخیز این منطقه، برای انرژی و آبیاری استفاده کند، اما به مرور زمان و همراه با شکل‌گیری حزب کارگران کردستان^۲، این پروژه به جزئی از سیاست دولت برای حل مسئله کرد در این کشور نیز بدل شد (Bilgen, 2018a: 3-4). از دیدگاه کردها پروژه یک طرح راهبردی ضد کرد است. اصولاً پروژه به‌طور عامدانه و با نگاهی راهبردی برای صدمه زدن به کردها به‌طور عام و PKK به‌طور خاص طراحی و اجرا شده است. در چارچوب این روایت در نظر گرفتن پروژه به‌عنوان طرحی در جهت ترکی کردن^۳ یا کردزدایی^۴ از جمعیت محلی تحلیل شده است. یا یکی از هدف‌های اصلی احداث سدهای گسترده روی دجله و فرات محدود کردن دامنه حرکت کردها و به‌ویژه PKK است. در چارچوب این

1. one nation policy

2. Partîya Karkerên Kurdistanê

3. Turkification

4. de-Kurdification

روایت جنگجویان کرد بسیاری از پناهگاه‌های خود را از دست داده‌اند، چراکه بسیاری از روستاهایی که این جنگجویان پیش از این در آنها پنهان می‌شدند، اکنون به زیر آب رفته‌اند. این سدها که اغلب در استان‌های حکاری و شروانخ احداث شده‌اند یا در حال احداث و برنامه‌ریزی هستند، همچون دیواری آبی در برابر نفوذ جنگجویان کرد PKK عمل می‌کنند، بنابراین هدفی نظامی دارند. این اقدام‌ها به آوارگی کردهای این منطقه به اروپا، در شهرهای مختلف در سراسر ترکیه و البته در شهرهای بزرگ‌تر همین منطقه از جمله دیاربکر منجر شده است (Conde, 2016: 51).

از نگاه دولتی پروژه راه علاج نزاع (کردها) است. مطابق این روایت که به ویژه در میان نخبگان سیاسی دست راستی و ملی‌گرای ترکیه رواج دارد، اجرای پروژه می‌تواند ریشه‌های مسئله کرد در این کشور را بخشکاند، چراکه در این نگاه بین عدم توسعه‌یافتگی و عقب‌ماندگی این مناطق و به‌وجود آمدن و ادامه یافتن درگیری‌های قومی ارتباط مشخصی وجود دارد (Bilgen, 2018a: 8-10).

شواهد موجود نشان می‌دهد که در مراحل ابتدایی پروژه، ملاحظات امنیتی اهمیت چندانی نداشته است، اما از اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به موازات افزایش فعالیت‌های گروه PKK پروژه نیز دارای ملاحظات امنیتی بیشتری شده و هرچه بیشتر به‌عنوان راه‌حلی برای مسئله کرد یا مکملی برای راه‌حل نظامی همین مسئله دیده شده است.

عده‌ای با تکیه بر اینکه عمده برق تولیدی در سدهای پروژه گاپ نه در همین منطقه، بلکه در غرب کشور که به لحاظ صنعت و تجارت وضعیت بسیار پیشرفته‌تری دارد مصرف می‌شود، آن را نشانه‌ای از تحرکات ضدکردی قلمداد می‌کنند. مقامات دولت مرکزی و مسئولان اجرایی پروژه گاپ به شیوه‌ای اقتدارگرایانه امور مربوط به این پروژه را مدیریت می‌کنند و در عمل هیچ مشورت یا نظرخواهی جدی از مردم محلی گرفته نمی‌شود (Conde, 2016: 52). بسیاری از علوی‌های این منطقه که بخشی از آنها کرد هستند نیز تحرکات تبعیض‌آمیز زیادی در اجرای پروژه گاپ می‌بینند، به‌ویژه از این زاویه که طرح‌های منابع آب عملیاتی شده در این منطقه بسیاری از مکان‌های مقدس آنها را به زیر آب برده است (Conde, 2016: 51). پیامدهای مخرب محیط زیستی اجرای پروژه گاپ از دیگر ابعاد اثرگذاری اجرای آن بر اجتماعات قومی است، از جمله مواردی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، کم شدن مقدار آب فرات، از بین رفتن گونه‌های جانوری که در این منطقه و آلوده‌تر شدن آب رودخانه‌ها و... نگرانی دیگر مقامات محلی کرد و مردم این منطقه در مورد بخش‌هایی از آن چیزی است که آنها آن را میراث تاریخی خود می‌دانند و در اثر اجرای پروژه گاپ در معرض نابودی قرار گرفته یا دیگر به‌طور کامل به زیر آب رفته است (Conde, 2016: 52).

بسیاری از افرادی که در نتیجه اجرای طرح‌های توسعه منابع آب در جنوب شرقی ترکیه مجبور به ترک محل زندگی خود و مهاجرت به حاشیه شهرهای نزدیک آن شده‌اند، از میان کردهای ترکیه هستند (Oktem, 2002: 310-311).

اگر وضعیت اقتصادی مردم کرد این منطقه بهبود یابد، دیگر انگیزه‌ای برای حمایت از گروه‌های کرد مخالف دولت مرکزی در میان آنها باقی نمی‌ماند. در نتیجه، پروژه گاپ به‌عنوان طرحی که به بهبود وضعیت اقتصادی مردم منجر می‌شود، همچون راه‌حلی برای مسئله کرد تلقی می‌شود (Jongerden, 2010: 141).

در همین چارچوب، این پروژه پیوندهای قبیله‌ای و خانوادگی در این منطقه را تضعیف و از طرف دیگر، وابستگی افراد به دولت افزایش یابد. یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی حائز اهمیت اجرای پروژه گاپ می‌توان به افرادی که دارای شکلی از خانه و کار (اغلب کشاورزی) در این ناحیه از جنوب شرقی ترکیه بودند، اشاره کرد، بدون آنکه خسارات تحمیلی به آنها جبران شده باشد که بتوانند زندگی خود را در همان سطحی که بود بازتولید کنند.

نکته به لحاظ اجتماعی پراهمیت دیگری که در انتقال ساکنان به مناطق جدید دیده می‌شود، تغییر ساختار اجتماعی مناطق است. در واقع، خانه‌های جدیدی که این خانواده‌ها در آن اسکان داده شده‌اند، معماری مدرن دارند که ناشی از ارجحیت سازوکار بازار و مصرف‌گرایی است؛ امری که به تغییر ارزش‌های اجتماعی و حرکت به سمت اهمیت بیشتر خانواده هسته‌ای در برابر خانواده گسترده منجر می‌شود. در نتیجه اجرای پروژه گاپ تا سال ۲۰۰۴ حدود ۳۵۰ هزار نفر در منطقه جنوب شرقی ترکیه وادار به ترک محل زندگی خود شده‌اند که شمار زیادی از آنها در عمل به حاشیه‌نشینان شهرهای مجاور بدل شده و مشکلات اجتماعی زیادی را به‌وجود آورده و متحمل شده‌اند (Morvaridi, 2004: 729).

مهاجرت به شهر جدید حسن کیف که البته در بسیاری از موارد با نارضایتی ساکنان آن همراه بوده است، به تغییرات مهمی در شیوه امرار معاش بسیاری از آنها نیز منجر می‌شود. از دست رفتن شغل و ایجاد دشواری‌های اقتصادی برای یافتن راه امرار معاش برای کسانی است که زندگی آنها در حسن کیف وابسته به گردشگری بوده است، تعداد گردشگران خارجی و هم تعداد گردشگران داخلی که از منطقه جنوب شرق ترکیه بازدید کرده‌اند، در سال‌های اجرای پروژه گاپ و به‌ویژه در اوایل دهه ۲۰۰۰ افزایشی بوده است (Oktem, 2002: 320).

یکی دیگر از آثار اجرای پروژه گاپ از دست رفتن مراتع و چراگاه‌های دام ساکنان مناطق اجرای پروژه است، که منابع درآمدی حاصل از چرای گله‌ها در زمین‌های موجود در قانون مربوطه در ترکیه محاسبه نشده و در نتیجه، غرامتی نیز برای از دست رفتن درآمدی که به چرای دام وابسته بوده، در نظر گرفته نشده است (Elmas, 2004: 19-20). نابرابری‌هایی که

پیش از این در چارچوب اقتصاد سستی مبتنی بر کشاورزی نظام ارباب-رعیتی در این منطقه وجود داشته، به نوعی در جریان پرداخت غرامت نیز بازتولید شده است. از این رو ملاکین و زمین‌داران با برخورداری از غرامت بیشتر در نواحی مرفه شهری ساکن شدند. امری که زمینه افزایش قیمت مسکن در برخی مناطق شد. مهم‌ترین نارضایتی ساکنان از رویه پرداخت خسارت، فرایند سکونت مجدد آنها و ناهماهنگی بین آنها با سازمان‌های اجراکننده این طرح‌ها بوده است (Oktem, 2002: 320-321).

مناطق جنوبی اغلب شهرها، پر از افرادی شد که خانه‌های خود را در اثر اجرای پروژه گاپ از دست داده بودند. در کمتر از ده سال، حدود ۵۰ هزار نفر از این افراد در تپه‌های اطراف شانلی اورفه ساکن شدند. این امر هم آنها را از ادغام در زندگی شهری محروم کرد و هم برای آموزش و ادغام فرزندان آنها مشکلات جدی به وجود آورد؛ امری که بازساخت فضایی فقیر و غنی را در یک مقیاس دیگر و به گونه‌ای دیگر شکل داد. البته برای دولت مرکزی این امر نمی‌توانست ناخوشایند باشد، چراکه جمعیت اغلب فقیر ساکن متمرکز در نواحی کردنشین به حاشیه‌نشینان پراکنده و تقریباً بی‌هویتی تبدیل شدند که در حال تجربه نوع دیگری از انزوای اجتماعی بودند (METU, 1994: 6). البته در مواردی ایجاد اشتغال هم در جریان پروژه و هم پس از تکمیل و عملیاتی شدن آن در این ناحیه صورت گرفته است. در کنار این، بسیاری از کارگرانی که در ارتباط با سد آتاتورک به کار گرفته شدند، در ابتدا کارگر ساده و بدون هیچ گونه مهارتی بودند، اما در جریان ساخت سد آموزش دیدند و مهارت‌های مختلفی را به دست آوردند. این فرایند به افزایش درآمد این منطقه از کشور ترکیه منجر شده است. یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی پروژه گاپ ورود تازه‌واردانی بود که با عمده ساکنان منطقه تفاوت هویتی و فرهنگی داشته‌اند، به بیان دیگر، حضور افرادی از نقاط دیگر کشور در این منطقه سبب ایجاد تغییراتی در سبک زندگی بخشی از مردم این منطقه شده است. این امر البته به نحو مثبتی موجب تحول اجتماعی منطقه شد و به طور مشخص زنان و کودکان بیشترین بهره را از این موارد برده‌اند (آموزش و افزایش آگاهی از مهم‌ترین پیامدهای آن بوده است) (Tortajada, 2004). البته نباید فراموش کرد که بسیاری از زنانی که در نواحی روستایی این منطقه به صورت کارگر (البته بدون مزد) کشاورزی و دامداری جزئی از اقتصاد خانواده بودند، پس از مهاجرت به شهرها نه می‌توانستند وارد بازار کار شهری شوند و نه دیگر نقش سابق خود را در انجام بخشی از کار اقتصادی خانواده انجام بدهند و این بر موقعیت اجتماعی آنها تأثیر منفی گذاشت (Elmas, 2004: 19-20).

در همین زمینه شایان توجه است که تقریباً در تمام مواردی که غرامت پرداخت شده، به مردان بوده است و این امر زنان را باز هم در موقعیت بدتری نسبت به گذشته قرار داده است؛ امری که نابرابری جنسیتی را بیش پیش تعمیق کرد (Ronayne, 2005; Setton, 2006).

۵.۳.۲. پایین‌دست

ضعف دولت و شکننده بودن آن در عراق و سوریه، کاهش سرمایه اجتماعی میان‌گروهی، مشکلات آبی در این دو کشور، دور از دسترس بودن راهکارهای پایدار در خصوص حل منازعات آبی درون‌کشوری، منازعه حول مسئله آب میان اجتماعات محلی و استان‌های بالادست و پایین‌دست با توجه تجربه تاریخی منازعات و خاطرات جمعی و تبدیل شدن مسئله آب به‌عنوان یک عنصر آگاهی‌بخش قومی با محوریت کردها به‌سبب موقعیت برتر هیدروپلیتیکی را در پی خواهد داشت.

اتهام فرقه‌گرایی دولت در عراق و بی‌اعتمادی گروه‌های قومی و سیاسی شک و شبهه به سیاست‌های آبی دولت، سکونت حدود نیمی از جمعیت عراق شیعیان و اهل سنت پیرامون دجله، وابستگی گروه قومی قدرتمند به منابع آبی واردشده نزدیک ۷۰ درصد مناطق پیرامون فرات در عراق که عرب و شیعه هستند یا اعراب شیعه در آنها اکثریت دارند، وابستگی بیشتر مناطق مرکزی و جنوبی اغلب شیعی عراق به کردها و اعراب سنی و بحران‌های زیست‌محیطی، زمینه شکل‌گیری جنبش‌ها و فعالیت نیروهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی را در راستای حفاظت از منابع حیاتی فراهم کرده است.

سهم ۴۰ درصد افراد کمتر از ۱۴ سال از کل جمعیت عراق و افزایش نیازهای آبی، تشدید پیامدهای اجتماعی منفی در آینده ناشی از رخداد خشکسالی دوباره رودخانه فرات، وابستگی کیفیت آب به شیوه کشاورزی مناطق سنی‌نشین و اثر آن بر ذهنیت منفی ساکنان شیعه حوضه رودخانه فرات و احتمال رخداد تنش‌های مذهبی، وابستگی ۷۹ درصد کشاورزی مصرف آب، مصارف شهری با ۶/۵ درصد و صنعت با ۱۴/۵ درصد در عراق، از دست رفتن ۱/۳ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی غنی در حوضه دجله و فرات متأثر از اجرای طرح‌های توسعه منابع آب به‌ویژه در ترکیه، تبخیر و تغییر جریان آب و افزایش شوری آب، تلف شدن احشام در حوضه دجله و فرات، تحریک‌کننده و تقویت‌کننده زمینه‌های تعرضات فعلی و آتی محسوب می‌شود. از کار افتادن سیستم آبیاری و کاهش بهره‌وری کشاورزی و مخاطرات جدی در حوضه امنیت غذایی در استان‌های بصره، ذی‌قار و میسان متأثر از کمیت و کیفیت پایین آب، افزایش مهاجرت از مناطق جنوبی و باقی ماندن شمار اندکی کشاورز و کاهش تولید مواد غذایی، کاهش آب ورودی به سد موصل متأثر از سد ایلیسو و کاهش توان تولید برق عراق،

افزایش مقدار مصرف آب ترکیه با اجرای پروژه گاپ در فرات از ۳ درصد در سال ۱۹۶۶ به ۵۰ درصد می‌تواند در این زمینه مورد توجه واقع شود (Asia & Rohstoffe, 2013: 64).

همبستگی افزایش قیمت نفت با امکان یارانه دادن از یک سمت و واردات مواد غذایی از سوی دیگر و افزایش قیمت نفت با کاهش نیاز به آب و کشاورزی به‌ویژه در عراق در مقاطعی می‌تواند به‌عنوان مسکن و در صورت همزمانی با کاهش کمیت و کیفیت آب و کاهش درآمدهای نفتی یک عامل اساسی در افزایش تعارضات در جامعه چندفرهنگی و به‌شدت رقابتی عراق است.

آب‌بر بودن ارکان اصلی اقتصاد عراق یعنی وابستگی بیشتر به ترکیه، نیاز به ذخیره آب بیشتری برای استفاده در صنعت نفت، درحالی‌که عمده ذخایر نفتی عراق (حدود ۸۸ درصد) در جنوب، افزایش آلودگی آب، بلااستفاده شدن آب برای صنعت نفت به‌دلیل شوری بیش‌ازحد آب و افزایش نرخ صنعتی شدن به‌ویژه در عراق و نیاز بیشتر به آب می‌تواند در تعاملات منطقه‌ای اثرگذار باشد.

وابستگی معیشت سه‌چهارم عراق به تولید محصولات کشاورزی و دامداری یا ترکیبی از دامداری و تولید محصول، اثرگذاری خشکسالی و ایجاد ناامنی غذایی در سوریه و عراق، بیکاری کشاورزان و هجوم به حاشیه شهرهای اصلی از جمله دمشق را در پی داشته است. اجرای طرح‌های آبی در بالادست، افزایش بیکاری و بی‌ثباتی‌های شورش و نزاع متأثر از کم‌آبی دیرالزور و حلب، وابستگی کشاورزی در استان انبار در غرب و جنوب عراق به آبیاری از آب دجله و فرات، از جمله مصادیق پتانسیل‌های تغییر شیوه معیشت و مهاجرت و در نهایت افزایش روزافزون اقدامات تروریستی در منطقه است (Kool et al., 2020).

موقعیت و قرارگیری متفاوت بلوک‌های هویتی و فرهنگی و تفاوت در تأمین آب برای کشاورزی با توجه حضور شیعیان در جنوب و کردها در شمال و سنی‌ها در غرب نشان از شکل‌گیری فرایندهای تعارض‌آمیز بیش از پیش در افق‌های پیش رو دارد.

افزایش سطح زیرکشت زمین‌های قابل آبیاری سوریه از ۶۵۲ هزار هکتار در سال ۱۹۸۵ به ۱/۴ میلیون هکتار در سال ۲۰۰۵، از دست رفتن سالانه ۲۵ هزار هکتار زمین قابل کشت در عراق به‌ویژه در جنوب بر اثر کم شدن منابع آب، تغییر کشت محصولات کشاورزی و الگوی کشت و کاهش سود کشاورزی، کاهش سطح زمین‌های زیر کشت زمستانه و تابستانه در مناطق جنوبی‌تر چون بصره، گران‌تر و کمیاب‌تر شدن خوراک دام و طیور، یعنی مخاطره معیشتی و درگیری‌های مسلحانه به‌ویژه در بصره ناشی از کاهش آب ورودی و ضعف مراتع، افزایش تنش و درگیری مستقیم بین قبایل و حتی شلیک به دام‌های طرف مقابل در عراق، می‌تواند یک الگوی تکرارپذیر در آینده باشد (HRW, 2019: 8-9).

متأثر شدن شدیدتر گروه‌های مختلف قومی - مذهبی بر اثر افت میزان آب با توجه به بالاتر از میانگین جهانی بودن سهم آب کشاورزی در عراق، مهاجرت‌پذیری مناطق کردنشین و تقاضای بیشتر برای مصرف آب، تشدید تنش‌های آبی اقلیم کردستان و سایر بخش‌های عراق به‌ویژه در حوضه دجله، فشار مضاعف بر منابع محدود، ناشی از مهاجرت‌های جنوبی - شمالی و تنش بین مهاجران و ساکنان شهرها می‌تواند ترکیب جمعیتی و در نهایت رقابت‌های هویتی و منزلتی را در مناطق مهاجرپذیر تشدید کند.

۶. تجزیه و تحلیل: تحلیل راهبردی ذی‌نفعان حوضه دجله و فرات

رتبه‌بندی کنشگران قومی و مذهبی از منظر مخاطرات تحت تأثیر طرح‌های آبی حوضه دجله و فرات را می‌توان با استفاده از روش وزن‌دهی ساده (SAW) در حوضه دجله و فرات ارائه کرد.

گام اول: تشکیل ماتریس اولیه

نویوگرافی	ریزگردها	ظرفیت سدها	تعداد سدها	خشکسالی	بارش	تجیر	دما	کیفیت آب	معیار/گروه قومی مذهبی
خیلی خوب	کم	خیلی خوب	خیلی خوب	کم	۱۳۳۰	۷۴۰	۱۲	خوب	کرد علوی
خیلی خوب	متوسط	خوب	خوب	متوسط	۹۲.۲۴	۱۹۱	۲۱.۴	متوسط	کرد سنی
ضعیف	خیلی زیاد	متوسط	متوسط	زیاد	۳۰۹.۸	۹۱۱	۲۱.۱	ضعیف	عرب سنی
خیلی ضعیف	زیاد	خیلی ضعیف	خیلی ضعیف	خیلی زیاد	۸۰۱	۴۰۳	۱۲.۹۵	خیلی ضعیف	عرب شیعه

گام دوم: تبدیل شاخص‌های کیفی به کمی

نویوگرافی	ریزگردها	ظرفیت سدها	تعداد سدها	خشکسالی	بارش	تجیر	دما	کیفیت آب	معیار/گروه قومی مذهبی
۹	۳	۹	۹	۱	۱۳۳۰	۷۴۰	۱۲	۷	کرد علوی
۹	۵	۷	۷	۳	۹۲.۲۴	۱۹۱	۲۱.۴	۵	کرد سنی
۳	۹	۵	۵	۷	۳۰۹.۸	۹۱۱	۲۱.۱	۳	عرب سنی
۱	۷	۳	۳	۹	۸۰۱	۴۰۳	۱۲.۹۵	۱	عرب شیعه
۲۲	۲۴	۲۴	۲۴	۲۰	۲۵۳۳.۰۴	۲۳۴۵	۶۷.۴۵	۱۶	

گام سوم: نرمال سازی

نویسنده	رتبه	ظرفیت سد	تعداد سد	خشکسالی	بارش	نمبر	دما	کیفیت آب	معیار گروه قومی مذهبی
۰.۴۰۹۰۹۰۹۰۹	۱	۰.۳۷۵	۰.۳۷۵	۸	۰.۵۲۵۰۶۱	۰.۲۵۸۱۰۸۱۰۸	۱	۰.۴۳۷۵	کرد علوی
۰.۴۰۹۰۹۰۹۰۹	۱.۶۶۶۶۶۶۶۷	۰.۲۹۱۶۶۶۶۷	۰.۲۹۱۶۶۶۶۷	۶	۰.۳۶۴۱۵	۰.۲۰۹۶۵۹۷۱۵	۱.۷۸۳۳۳۳۳۳	۰.۳۱۲۵	کرد سنی
۰.۱۳۶۳۶۳۶۳۶	۳	۰.۲۰۸۳۳۳۳۳	۰.۲۰۸۳۳۳۳۳	۲	۰.۱۲۲۳۰۴	۰.۱۲۲۳۰۴	۱.۷۵۸۳۳۳۳۳	۰.۱۸۷۵	عرب سنی
۰.۰۴۵۵۵۵۵۵۵	۲.۳۳۳۳۳۳۳۳	۰.۱۲۵	۰.۱۲۵	۰	۰.۳۱۶۲۲۱	۰.۴۷۳۹۵۵۵۰۹	۱.۰۷۹۱۶۶۶۷	۰.۰۶۲۵	عرب شیعه
۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	۰.۱۱۱۱۱۱۱۱	

گام چهارم: محاسبه وزن و رتبه نهایی

با توجه به محاسبات انجام گرفته مشخص می شود که در سطح فروملی به ترتیب کردهای علوی، کردهای سنی، اعراب سنی و اعراب شیعی قرار گرفته اند که در قالب جدول زیر به نمایش در آمده است.

کرد علوی	۱.۳۷۵۵۲۸۸۶۸
کرد سنی	۱.۲۲۲۳۳۳۱۸۹
عرب سنی	۰.۹۵۷۹۰۷۴۷۵
عرب شیعه	۰.۵۰۶۷۳۵۶۴۲

البته ذی نفعان در سطح فروملی بیش از هر عامل دیگری متأثر از تعاملات سطح ملی هستند، در این بخش شاید کردهای علوی تبار از وضعیت بهتری به لحاظ شاخص های مورد اشاره که اغلب مبتنی بر پتانسیل های طبیعی است، برخوردار باشند، ولی نباید فراموش کرد که بازیگر عمده در محدوده یاد شده دولت ترکیه است و شاید منفعت علوی تبارها تا حدودی مرهون تقویت هیدروهمز مونی ترکیه باشد و همان طور که در خصوص تعاملات با دولت مرکزی در بخش های پیشین به تفصیل آمد، کردهای علوی به عنوان جوامع محلی در بالادست متأثر از طرح های توسعه گاپ با مسائلی چون کوچ اجباری، تغییر بافت جمعیتی، از دست رفتن و یا حداقل مخاطرات اثرگذار بر امنیت انسانی، از دست رفتن نمادهای هویتی و... مواجه شده اند. البته در خصوص عراق وضعیت کردهای اهل سنت بهتر از اعراب سنی و شیعه است و در نهایت می توان گفت که اعراب شیعی متأثر از درهم کنش شرایط مختلف نسبت به سایر گروه های قومی مذهبی با وضعیت مخاطره انگیزتری ناشی از طرح های توسعه آبی بالادست مواجه اند.

۷. نتیجه

تهدیدات ناشی از خشکسالی در پایین‌دست حوضه، افزایش فقر شدید، افزایش مهاجرت از مناطق روستایی متأثر از تغییر اقلیم و افت کیفیت و کمیت آب به حاشیه شهرها و تراکم جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی در استان بصره و محرومیت از شبکه مشخص آب و بهداشت و آسیب‌پذیری آنها با توجه ماهیت قبیله‌ای حاکم، زمینه‌ساز بحران‌ها و شورش‌های شهری است که می‌تواند به‌عنوان پدیده‌ای مرسوم در افق پیش رو باشد.

ضعف نظارت روی عملکرد شرکت‌های خصوصی در زمینه بهداشت آب، فقدان سیستم هشدار کیفیت نازل آب و عملی کردن آن در آینده به‌منظور پیشگیری از وقوع برخی بحران‌ها، گران بودن آب در شرایط بحرانی در مناطق جنوبی و تشدید مشکلات در بصره (و تا حدودی میسان و ذی قار) هم نقطه قوت و هم پاشنه آشیل ایران (صدور خدمات و تأمین آب فرصت، افزایش فشار مناطق کردنشین و سنی‌نشین)، از جمله زمینه‌ها و پیامدهای تعارضات به‌ویژه در عراق است.

سابقه تأمین مواد غذایی با کمک‌های جهانی و مطرح شدن مسئله امنیت غذایی با شدت زیاد در کشورهای عراق و سوریه پس از جنگ‌های داخلی، ناامنی غذایی شدید در استان‌های دیاله، نینوا، صلاح‌الدین، انبار و کرکوک، کاهش امکان امرار معاش از کشاورزی و دامداری منجر به بیکاری و در نتیجه افزایش حمایت محلی از گروه‌های تروریستی، فراهم کردن غذا و پرداخت نقدی به‌عنوان ابزار جلب حمایت و پشتیبانی کشاورزان در مناطق سنی‌نشین توسط گروه‌های تندرو مانند داعش و... و اثر تشدیدکننده بحران آب را نباید در تحلیل تعارضات اجتماعی نادیده گرفت.

تغییرات اقلیمی، فساد، مدیریت ضعیف، سال‌ها جنگ، طرح‌های توسعه منابع آب در ترکیه و سوریه (در ارتباط با فرات)، تخریب زیرساخت‌های زیستی و بحرانی شدن آب در مناطق سنی‌نشین علی‌رغم بالادست بودن آنها نسبت به شیعیان، کنترل قدرت در عراق توسط شیعیان، قرائت مشکلات از زاویه شیعه-سنی، می‌تواند تشدیدکننده منازعات و پیامدهای منفی ناشی از طرح‌های توسعه آب باشد.

عدم توافق بر سر توزیع آب بین قبایل، افزایش خشونت‌ها و تبدیل امنیت آبی به یکی از زمینه‌های اصلی نارضایتی‌ها و تسهیل‌گر اعتراضات ضددولتی، کم‌توجهی به اثربخش بودن پتانسیل‌های نهادی و سازمان‌های محلی در مدیریت بحران‌های ناشی از آب، نیرومندی هویت‌های قبیله‌ای و کنش رهبران قبیله‌ای برای حفظ مشروعیت خود با مداخله در مسائل آب در نواحی روستایی، اهمیت بیشتر درگیری‌های بین‌قبیله‌ای نسبت به درگیری‌های بین‌استانی به‌واسطه علقه‌های قومی - قبیله‌ای در نتیجه اختلاف‌های آبی، امکان بسیج بیشتر

مردم رهبران قبیله‌ای به علت ضعف مشروعیت فرمانداران یا استانداران و سرایت تنش‌های قومی به مراکز شهری می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

مشروعیت‌زدایی از دولت در مدیریت آب به واسطه عملکرد ضعیف، اختلاف بین مسئولان استانی و دولت مرکزی بر سر مسائل آبی و افزایش تقاضاهای واگرایانه (اعتراضات مردمی در بصره و تهدید به بدل شدن به یک ناحیه نیمه خودمختار)، کشیده شدن دامنه اعتراضات علیه ایران در سایه تبلیغات رقبای منطقه‌ای و داخلی، تبدیل دولت شیعه عراق به مسئول مشکلات آبی برای کشاورزان سنی و پیوستن شماری از آنها به گروه‌های مخالف حضور و نفوذ ایران در عراق، می‌تواند تضعیف‌کننده موقعیت ایران و به‌ویژه شیعیان در تحولات اجتماعی و سیاسی آتی عراق باشد.

در همین زمینه روان شدن آب بیش‌ازحد- به صورت سیل- به سمت نقاط پایین‌دستی به‌ویژه اعراب سنی و شیعی، تبدیل قرارگیری سدهای اصلی عراق روی فرات در مناطق سنی‌نشین به کارت بازی اهل سنت و متأثر شدن شکاف‌های مذهبی و افزایش تنش‌ها در عراق و سابقه تاریخی تبدیل آب به اسلحه‌ای علیه دیگران در زمان اوج فعالیت گروه‌های تروریستی را نباید از نظر دور داشت.

درگیری‌های بین‌استانی، اعلام شکایت استان میسان علیه استان‌های واسط و ذی‌قار برای مصرف بیش‌ازحد آب، تبدیل درگیری‌های قومی-مذهبی حول منابع آب به دو گسل اصلی شیعه-سنی در ارتباط با فرات از غرب و مرکز به جنوب و جنوب شرق و دیگری گسل کرد-عرب شیعه در ارتباط با دجله از شمال به جنوب، نشان از تبدیل لایه‌های پنهان منازعه و رقابت در پرتو مسائل آب به عناصر واگرا دارد.

۸. تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران و معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به واسطه حمایت‌های انجام‌گرفته در راستای به سرانجام رسیدن این مقاله که خروجی یک طرح پژوهشی ملی با عنوان «ارزیابی اثرات سیاسی-امنیتی، اقتصادی-اجتماعی و حقوقی طرح‌های توسعه‌ای حوضه زاب و حوضه‌های دیگر» است، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند. از جناب آقای دکتر سیدمسعود موسوی شفقایی مدیر محترم پروژه نیز سپاسگزاریم.

۹. بیانیه تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل

داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Akşit, B; Mutlu, K; Nalbantoğlu, H.Ü; Akçay, A.A; Şen, M (1996). Population Movements in Southeastern Anatolia: Some Findings of an Empirical Research in 1993 1. *New Perspectives on Turkey*, 14, 53-74.
2. Al-Abbasi, R.D.M (2019). The Iraqi-Syrian dispute over the Euphrates River Waters and Saudi Mediation 1975. *Regional Studies*, Vol. 13, No. 42, pp. 9-50. [In Arabic]
3. Al-Abbasi, R.D.M (2012). The Southeastern Anatolia Project and its Impact on the Eradication of Historical Monuments in Turkey. *Adab Al-Farahidi*. Vol. 13. [In Arabic]
4. Al-Abbasi, R.D.M (2018). The Impact of Establishing the Ilisu and Jazara Projects on Iraq. *Regional Vision Journal*, Center for Regional Studies, University of Mosul, Issue (1), Year (1). [In Arabic]
5. Al-Badri, B.H (2010). The Impact of Water Scarcity on Irrigated Agriculture in Iraq, *Journal of the College of Administration and Economics*, Issue (80), Iraq. [In Arabic]
6. Al-Badri, B.H; Rashid, A.A.R (2011), Measuring the Impact of Water losses in Irrigated Agriculture on Water Scarcity in Iraq for the 2009 Agricultural Season, *Journal of the College of Administration and Economics*, Issue 87, Iraq. [In Arabic]
7. Altinbilek, D; Tortajada, C (2012). The Atatürk Dam in the Context of the Southeastern Anatolia (GAP) Project. In *Impacts of Large Dams: A global assessment* (pp. 171-199). Springer, Berlin, Heidelberg.
8. Ashley, R (1980). *The Political Economy of War and Peace*. London: Francis Pinter.
9. Asia, United Nations. Economic and Social Commission for Western Asia and Bundesanstalt für Geowissenschaften und Rohstoffe (2013). *Inventory of shared water resources in Western Asia*. United Nations Economic and Social Commission for Western Asia.
10. Bilgen, A (2018a). A Project of Destruction, peace, or Techno-science? Untangling the Relationship between the Southeastern Anatolia Project (GAP) and the Kurdish Question in Turkey. *Middle Eastern Studies*, 54(1), 94-113.
11. Bilgen, A (2018b). The Southeastern Anatolia Project (GAP) Revisited: The Evolution of GAP over Forty Years. *New Perspectives on Turkey*, 58, 125-154.
12. Bilgen, A (2019). The Southeastern Anatolia Project (GAP) in Turkey: an Alternative Perspective on the Major Rationales of GAP. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(5), 532-552.
13. Caselli, F; Coleman, W.J (2013). On the Theory of Ethnic Conflict. *Journal of the European Economic Association*, 11(suppl_1), 161-192.
14. Central Statistical Organization (2011). *General Census of Buildings and Establishments and Enumeration of Housing and Households 2010*.

- Series of Numbering and Enumeration Results Reports Report No. (1). Buildings, Housing and Households Report - National Level. Republic of Iraq, Ministry of Planning, Central Statistical Organization. [In Arabic]
15. Central Statistical Organization (2016). Semi-Annual Continuous Social and Economic Survey 2014. Republic of Iraq, Ministry of Planning, Central Statistical Organization. [In Arabic]
16. Conde, G (2016). Water and Counter-hegemony: Kurdish Struggle in the Tigris and Euphrates in Turkey. *Revista de Paz y Conflictos*, 9(2), 43-58.
17. Daoudy, M (2020a). Water Weaponization in the Syrian Conflict: Strategies of Domination and Cooperation. *International Affairs*, 96(5), 1347-1366.
18. Dawood, A.K (2023). The Iraqi-Syrian-Turkish Conflict over the Waters of the Tigris and Euphrates: A Geopolitical Reading. *Arab Policies*, Issue 62, Volume 11: 40-65. [In Arabic]
19. Dincer, B; Ozaslan, M; Kavasoglu, T (2003). Socio-Economic Development Index Ranking of the Provinces-2003. State Planning Organization, Ankara.
20. Dougherty, J; Pfaltzgraff, R (1981). *Contending Theories of International Relations*. Longman Higher Education.
21. Duaij, M.A (2016). The Demand for Water in Economic Activities in Iraq. *Journal of the College of Education 2 (Fourth)*: 431-445. [In Arabic]
22. Elmas, G (2004). Women, Urbanization and Regional Development in Southeast Anatolia: a Case Study for Turkey. *Turkish Studies*, 5(3), 1-24.
23. Falkenmark, M; Molden, D (2008). Wake up to the Realities of River Basin Closure. *Int. J. Water Resour. Dev.* 24 (201–215).
24. Famiglietti, J.S (2014). The Global Groundwater Crisis. *Nat. Clim. Change* 4 (945–948).
25. Gallaher, C; and et al (2009). *Key Concepts in Political Geography*. London and California: Sage Publication Ltd
26. Gökçe, B; Kasapoğlu, A; Kaya, N.Ç; Güler, Z (2010). Bölgesel Kalkınmanın Can Suyu GAP: Karşılaştırmalı Sosyal ve Ekonomik Yapı Araştırması. GAP BKİ ve Sosyoloji Derneği Yayını, Ankara, 419s.
27. Hafeznia, M.R; Taheri, A; Farajzadeh Asl, M; Karaminezhad, H (2017). The Effects of Political Factors on Intensification of Dust Storms in the Euphrates-Tigris River Basin. *Human Geography Research*, 49(4), 857-868. doi: 10.22059/jhgr.2016.58810. [In Persian]
28. Haggett, P (1983). *Geography: Modern Syntheses*. New York: Publisher: Harpercollins College Div.
29. Haggett, P (2001). *Geography: A Global Synthesis*. Publisher: Prentice Hall.
30. Holsti, K.J (1991). *Peace and War: Armed Conflicts and International Order 1648-1989*. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Homer-Dixon, T; Boutwell, J.H; Rathjens, G.W (1993). Environmental Change and Violent Conflict. *Scientific American*. 268(2).
32. HRW (Human Rights Watch) (2019). *Basra Is Thirsty: Iraq's Failure to Manage the Water Crisis*.

33. Jongerden, J (2010). Dams and Politics in Turkey: Utilizing Water, Developing Conflict. *Middle East Policy*, 17(1), 137-143.
34. Katea Hassoun, A.R (2012). "International Responsibility for the Harmful Use of the Euphrates River by Turkey". *Al-Kufa Journal of Legal and Political Sciences*, 2012, Volume 1, Issue 13, Pages 220-232. [In Arabic]
35. Katea Hassoun, A.R (2012). "International Responsibility for the Harmful Use of the Euphrates River by Turkey". *Al-Kufa Journal of Legal and Political Sciences*, 2012, Volume 1, Issue 13, Pages 220-232. [In Arabic]
36. Kemp, J; Harkavy, R (2016). *Strategic Geography of the Middle East (Volume 1)*, translated by Seyyed Mehdi Hosseini Matin, Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications. [In Persian]
37. Kool, D; Laura, B; Torossian, B (2020). *Interprovincial Water Challenges in Iraq: Initial Analysis of an Urgent and Under-researched Crisis, Water, Peace and Security*.
38. Lahn, G; Shamout, N (2015). *The Euphrates in Crisis: Channels of Cooperation for a Threatened River*.
39. Lake, D.A; Rothchild, D (1996). *Policy Paper 20: Ethnic Fears and Global Engagement: The International Spread and Management of Ethnic Conflict*.
40. Liu, J; Yang, H; Gosling, S.N; Kummu, M; Flörke, M; Pfister, S; Hanasaki, N; Wada, Y; Zhang, X; Zheng, C; Alcamo, J (2017). *Water Scarcity Assessments in the past, Present and Future*. *Earth's Future*, 5(6), 545-559.
41. Mair, P (1997). *Sociology of War and Army*, Translated by Mohammad Sadegh Mahdavi and Alireza Azghandi, Tehran, Qoms Publishing. [In Persian]
42. Map "River and Groundwater Basins of the World 1: 50 000 000", Published in 2012 for the 6th World Water Forum, Marseille, France
43. METU DEPARTMENT OF SOCIOLOGY (1994): *Population Movements in the Southeastern Anatolia Project (Executive Summary)*. GAP Regional Development Administration. Ankara
44. Mokhtari Hashi, H; Ghaderi Hajat, M (2008). *Hydro politics in the Middle East in 2025 Case Study: The Basins of Tigris, Euphrates, Jordan & Nile Rivers*. *Geopolitics Quarterly*, 4(11), 36-74. [In Persian]
45. Morid, S; Delavar, M; Zaghian, M.R; Shokri Kochch, V; Fallah, M (2020). *Studies on the Interaction of Climate Change Phenomena and Human Activities on the Conditions of the Zab River Basin and its Catchments Hydrologically Related Ministry of Energy-Iran Water and Power Resources Development Company, Water Engineering Research Institute of Tarbiat Modares University*. [In Persian]
46. Morvaridi, B (2004). *Resettlement, Rights to Development and the Ilisu Dam, Turkey*. *Development and Change*, 35(4), 719-741.
47. Mutlu, S (1996). *The Southeastern Anatolia Project (GAP) of Turkey: its Context, Objectives and Prospects*. *ORIENT-HAMBURG-*, 37, 59-86.
48. Nazli, C; North, R (1975). *Nations in Conflict: National Growth and International Violence*. Sanfrancisco. Califi Freeman

49. Norwegian Refugee Council (NRC) (2022). Insufficient and Unfair: Water Scarcity and Displacement in Iraq. [In Arabic]
50. Öktem, K (2002). When Dams Are Built on Shaky Grounds: Policy Choice and Social Performance of Hydro-Project Based Development in Turkey. *Erdkunde*, 310-325.
51. Özer, A (1998). Modernleşme ve Güneydoğu. *İmge Kitabevi*.
52. Pacific Institute. (2023). Water Conflict Chronology. Retrieved from <https://pacinst.org/water-conflict-chronology>.
53. Prescott, J.V (1987). *Political Frontiers & Boundaries*. London: Routledge, 93
54. Richardson, L.F (1960). *Statistics of Deadly Quarrels*. Boxwood Press, Pittsburgh Pa.; Quadrangle Books, Chicago Cago, IllScience 30 December 1960: Vol. 132 no.3444 pp. 1931-1932. DOI: 10.1126/science.132.3444.1931-a.
55. Ronayne, M (2005). *The Cultural and Environmental Impact of Large Dams in Southeast Turkey*. National University of Ireland, Galway and Kurdish Human Rights Project.
56. Saab, N.W (2018). More than Infrastructures: Water Challenges in Iraq.
57. Smakhtin, V (2008). Basin Closure and Environmental Flow Requirements. *Int. J. Water Resour. Dev.* 24 (227–233).
58. Syrian Commission for Family Affairs (2011). Stagnation of demographic transition towards population balance in Syria The problem of slowing down the fertility rate, Damascus. [In Arabic]
59. Turgut, H. (Ed.). (2000). *GAP ve Demirel*. ABC.
60. Türkiye Nüfusu (2023). Retrieved from <https://www.nufusu.com>
61. Veilleux, J; Dinar, S (2019). A Global Analysis of Water-Related Terrorism, 1970–2016. *Terrorism and Political Violence*, 1-26.
62. Von Lossow, T.V (2016). Water as Weapon: IS on the Euphrates and Tigris: The Systematic Instrumentalisation of Water Entails Conflicting IS Objectives. *SWP Comments*, https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2016C03_lsw.pdf
63. Warner, J (2011). *Flood planning: The Politics of Water Security*. Bloomsbury Publishing.

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

